یادداشت

من، خسته گرد عالم درمان زِ کس ندیدم

مریم پیمان

● نمی‌توانم بدون تکیه بر پای راستم بایستم. گرما و خستگی، کار خودش را کرده است. چنین لحظه‌هایی است که به عجز خودم در برابرِ غولِ ام‌اس، یواشکی اعتراف می‌کنم. «سه هفته دیگه، سر بزن!...». ادامه حرف‌هایش را نمی‌شنوم. دست راستم ناخودآگاه بالا می‌رود و تکیه‌گاه پیشانی‌ام می‌شود. دیگر کامل به میزِ خانمِ محترمِ میان‌سالی تکیه کردم که قرار بود بعد از دو هفته دوندگی، نویدِ داشتنِ دفترچه بیمه جدید را به من بدهد، اما حالا از سه هفته دیگر خبر می‌دهد. صورتم خیس می‌شود. «خانمم گریه نکن. با این کار فقط، هم اعصاب خودت و هم ما را خرد می‌کنی...». از ضرورت تزریق هفتگی می‌گویم و گرانی داروی ایرانی. «مگه بیماری‌ات چیه؟» پاسخ مثل همیشه، ام‌اس است. ناشکری‌ام بیدار می‌شود و زبانِ دل به کفر آلوده؛ «کاش! سرطان بود و تمام شده بود همه‌چیز. کاش! مرده بودم. کاش! به دنیا نیامده بودم». با مهربانی و جدیت یا به‌عبارتی دلسوزی مدیر بخش برای یک بیمارِ خاص، کارهایی که قرار بود سه هفته زمان ببرد در ۱۵ دقیقه انجام می‌شود. گرانی داروها سویه مهم داستان برای من نیست، آوارگی در ساختمان‌های اداری برای انتقال و تغییر بیمه در گرمای مرداد است که من را از ضعف پاهایم و بینایی‌ام می‌ترساند؛ قطع آن از جایی و برقراری‌اش از جای دیگر. اگر هزینه داروها هم دغدغه اصلی بود چه می‌شد؟ «خدایا! به بیماران نیازمند بیشتر کمک کن!»

مشکل ساده است، اما نمی‌دانم چرا کسی رسیدگی و حل نمی‌کند؛ نظام بیمه‌ای نمی‌تواند دو بخش اصلی‌اش را یکپارچه کند. یک‌بار چندین‌سال پیش به بیمه تأمین اجتماعی ثابت کردم «ام‌اس» دارم و نیازمند داروها هستم و این‌بار باید در بیمه خدمات درمانی این جُرم را ثابت کنم. «کاش! زودتر به فکر خوب‌شدن و مصرف‌نکردن داروها افتاده بودم. کاش! زودتر شرایط را برای زندگی آرام‌تر فراهم کرده بودم. کاش! الان مرداد نبود و ...». همه کاش‌هایم را کنار هم می‌گذارم. روانه نشانی دیگر می‌شوم؛ چهارمین ساختمانی که بیم و امید من را این روزها به بازی گرفته است.

همه فکرهای منفی را کنار می‌گذارم. با تخسی همیشگی، پیشنهاد دکتر برای مراجعه به انجمن را نادیده می‌گیرم. خودم را یک بستنی شکلاتی قیفی میهمان می‌کنم. از دست خودم عصبانی‌ام؛ چرا وسط یک کار اداری گریه کردم؟! جدی درباره شرایطم توضیح می‌دهم. به‌جای همکاری، من را به ساختمان قبلی ارجاع می‌دهند. صدایم را بلند می‌کنم. مدیرش راه‌حلی پیشنهاد می‌دهد؛ باید هزینه بیشتری بدهم. می‌پذیرم اما، فرم جدیدی برای تکمیل از سوی پزشک و انجمن و ... جلو من می‌گذارند. با عصبانیت از ساختمان بیرون می‌آیم. ساعت یک ظهر نیمه‌های مرداد است. بیش از سه‌ساعت در آفتاب بودم. پای چپم ضعف دارد. به سمت تاکسی‌ها می‌روم و در راه خانه همراه با موسیقی در گوشم، هق‌هق می‌خوانم؛ «اینجا کسی است پنهان دامانِ من گرفته/ خود را زِ پس کشیده پیشانِ من گرفته/ من، خسته گردِ عالم درمان زِ کس ندیدم/ تا دردِ عشق دیدم درمان من گرفته».

خطر بیخ گوش خط اصلی لوله گاز و خط یک مترو با گودبرداری عمیق

شریعتی شهران می شود؟

عکس: ایلنا

معصومه اصغری: شب‌وروزی که حادثه شهران اتفاق افتاد را به خاطر دارید؛ حادثه تلخی که تا چند روز بخشی از شهر و شهروندان را دچار مشکلات بسیار کرد و تازه همه از مردم تا مسئولان خدا را شکر می‌کردند که در آن ساعت از بامداد شهروندان در آنجا حاضر نبودند و جدای از خسارت مالی، این حادثه خسارت جانی نداشته است. حالا تصور کنید که خدای نکرده چنین حادثه‌ای در یکی دیگر از تقاطع‌های شلوغ شهر، دیوار به دیوار خط یک مترو و در جوار خط اصلی لوله گاز و البته یک برج تجاری و تفریحی رخ دهد!؟ چنین حادثه‌ای اتفاق نیفتاده اما در پروژه «مرکز خرید و تفریحات پارس» در خیابان شریعتی درحال‌حاضر، زمینه‌های بالقوه چنین حادثه‌ای وجود دارد.

گودی دیوار به دیوار تونل مترو

کمتر پیش می‌آید که گودبرداری یک پروژه به عمق تونل‌های مترو، آن هم در خط شمالی که عمق زیادتری دارد، برسد؛ اما حالا رسیده است. گودبرداری پروژه‌ای که در تقاطع بلوار صبا و خیابان شریعتی است، برای ۱۰ طبقه زیر همکف از سال ۹۱ شروع شده که تا امروز ایمن‌سازی نشده و به کار خود ادامه می‌دهند. این پروژه کمی بالاتر از ایستگاه مترو قیطریه در خط یک قرار گرفته و درباره این شرایط، مسئولان مربوطه هشدارهایشان را داده‌اند اما توجهی نشده است.

در نامه سعید غفرانی، رئیس وقت سازمان نظام مهندسی در سال ۹۱ خطاب به کریمیان اقبال، مدیر کل اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران آمده است: «با توجه به اینکه انشعاب اصلی گاز مجتمع روی دیوار مشرف بر گود نصب شده و دیوار مذکور دچار ترک‌خوردگی مشهود است و افزایش عمق گود در شرایط فعلی می‌تواند باعث ایجاد مخاطرات آتی شود. لذا خواهشمند است جهت جلوگیری از تداوم این روند تا زمان رفع موانع مذکور نسبت به صدور دستور توقف عملیات ساختمانی (به غیر از سازه نگهبان و تحکیم‌سازی مناسب تا این مرحله) اقدام لازم مبذول شود. ضمنا از آنجایی که دیوار غربی گود با مسیر توسعه تونل شمالی خط یک مترو و زهکش شرقی آن فاصله اندکی دارد، بررسی دقیق‌تر می‌تواند از بروز مخاطرات احتمالی آتی جلوگیری کند». خبرنگار «شرق» تلاش کرد تا توضیحاتی را از شرکت توسعه و ساخت مترو و شرکت بهره‌برداری مترو داشته باشد اما گرفتار پاس‌کاری این دو شرکت با عبارات «این مورد مربوط به ما نیست»، «ما تحویل دادیم» و «ما فقط تحویل گرفتیم و به کارهای دیگر کاری نداریم» شد.

گود در حریم لوله اصلی خط گاز

هنوز چندماهی از حادثه شهران نگذشته است. حادثه‌ای که هنوز مقصر آن مشخص نشده. در حادثه شهران جرقه ماجرا از خط لوله گاز و فشار، صدمه، ضربه، پوسیدگی یا هر دلیل دیگری روی آن زده شد و با آن آتش مهیب که تا ساعت‌ها خاموش نمی‌شد، بخشی از خدمات‌دهی در شهر را مختل کرد. در این مدت شهردار تهران و هر مسئول شهری دیگری درباره احتمال تکرار این حادثه در شهر هشدار داده‌اند اما چقدر برای جلوگیری از تکرار آن کوشیده‌اند؟

یکی از خطوط اصلی گاز در شمال تهران دقیقا از همین پروژه و گودبرداری آن می‌گذرد و در این چند سال نسبت به ایمن‌سازی یا انتقال آن یا حتی توقف پروژه اقدامی نشده است. سعید غفرانی، رئیس وقت سازمان نظام مهندسی در سال ۹۱ در نامه خود به کریمیان اقبال، مدیر کل اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران با اشاره به شکایت‌های مکرر ساکنان همجوار با گودبرداری در بلوار صبا تأکید کرده است: «به علت عدم پیش‌بینی و انجام تمهیدات لازم برای نصب و اجرای صحیح و اصولی سازه نگهبان، وضعیت مخاطره‌آمیزی برای گود و مجاورین ایجاد کرده است. علاوه بر این باعث ایجاد ترک و نشست محوطه جنوبی ملک و تخریب بخشی از دیوار حیاط شده است. با توجه به اینکه انشعاب اصلی گاز مجتمع روی دیوار مشرف بر گود نصب شده و دیوار مذکور دچار خوردگی مشهود است و افزایش عمق گود در شرایط فعلی می‌تواند باعث ایجاد مخاطرات آتی شود. بنابراین خواهشمند است جهت جلوگیری از تداوم این روند تا زمان رفع موانع مذکور نسبت به صدور دستور توقف عملیات ساختمانی (به غیر از سازه نگهبان و تحکیم‌سازی مناسب تا این مرحله) اقدام لازم مبذول شود».

> **در نامه سعید غفرانی، رئیس وقت سازمان نظام مهندسی در سال ۹۱ خطاب به کریمیان اقبال، مدیر کل اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران آمده است: از آنجایی که دیوار غربی گود با مسیر توسعه تونل شمالی خط یک مترو و زهکش شرقی آن فاصله اندکی دارد، بررسی دقیق‌تر می‌تواند از بروز مخاطرات احتمالی آتی جلوگیری کند**

در همان زمان کریمیان اقبال، هم در نامه‌ای دیگر درباره این پروژه به یزدانی، شهردار وقت منطقه یک که درحال‌حاضر معاون خدمات شهری شهردار تهران شده است، هشدار می‌دهد. در این نامه با عکس و نقشه و مشخصات کامل توضیحات سازمان نظام مهندسی ارائه شده و دستور اقدام و پیگیری سریع داده می‌شود. نامه‌نگاری‌های بعد از این تاریخ در دسترس نیست اما شواهد از شرایط فعلی پروژه حاکی از آن است که این اصلاحات صورت نگرفته و به عبارتی هم مترو و هم شرکت گاز و هم شهرداری نسبت به همه هشدارها و شرایط نگران‌کننده این پروژه بی‌خیال شده‌اند.

برج تجاری ۲۰ طبقه جایگزین مجموعه ورزشی

پروژه‌ای که درباره آن صحبت می‌کنیم، تا چند سال قبل یک مجموعه بزرگ ورزشی به نام« پارس» بود که سالیان سال بخشی از سرانه فرهنگی و ورزشی این محدوده را پوشش می‌داد و از قضا جایگزینی آن با یک برج با این ابعاد، اعتراض اهالی را به دنبال داشته است. اما مسئله مهم در این مورد این است که چطور کاربری ورزشی یکباره تبدیل به کاربری تمام‌تجاری می‌شود؟ البته مالک با زیرکی خاصی نام پروژه را «مرکز خرید و تفریحات پارس» گذاشته تا کاربری قبلی را به شکلی توجیه کند. درحالی‌که تقریبا همه مراکز تجاری در تهران و سایر کلان‌شهرها یک یا چند طبقه خود را برای جلب توجه و رضایت مشتری، برای «فوت‌کورت» یا مرکز تفریحی اختصاص می‌دهد و نمونه عینی آن هم مجتمع تازه‌تأسیس کورش است. اگرچه در همین چند هفته گذشته و با انتقادی که رئیس‌جمهور در مورد تراکم‌فروشی نسبت به شهر تهران داشت، موجی از دفاع در شهرداری تهران به راه افتاد، اما نمونه‌های عینی و حاضر تخلفاتی که در حوزه شهرسازی در شهر تهران اتفاق افتاده، در شهر وجود دارد و این پروژه نمونه‌ای گویا و در دسترس است که هر روز تعداد زیادی از مدیران هم از کنار آن می‌گذرند.

درباره این پروژه که در دوره مسئولیت علیرضا جاوید، معاون عمرانی فعلی و شهردار وقت منطقه یک، تأیید شده، سؤالات زیادی مطرح است. از جمله اینکه چطور در تقاطعی با این سطح اشغال و تراکم جمعیتی، از کاربری ورزشی آن کاسته و کاربری تجاری داده می‌شود؟ همین حالا که هنوز این پروژه تکمیل نشده، تقاطع موردنظر در خیابان شریعتی، تقاطع بلوار صبا (بالاتر از ایستگاه مترو قیطریه) یکی از تقاطع‌های شلوغ و نفس‌گیر این محدوده است و پس از اضافه‌شدن ۱۰ طبقه زیر و ۱۰ طبقه روی زمین با کاربری تماما تجاری، چه حجمی از جمعیت و تردد خودروها به این محدوده اضافه می‌شوند؟ و در نهایت اینکه شهرداری بابت این تغییر کاربری و مجوزهایی که معمولا تأیید آنها گران تمام می‌شود، چه درآمدی داشته است؟ آیا این موارد جزء درآمدهای پایدار شهری محسوب می‌شوند؟

برج‌سازی بدون مصوبه کمیسیون ماده ۵

یکی دیگر از اشکالات مهم در مورد این پروژه، نداشتن مصوبه از کمیسیون ماده پنج است. این پروژه از ابتدای زمان گودبرداری، با اشکالات و مخالفت‌های جدی روبه‌رو بوده، اما توانسته بدون داشتن مصوبه از کمیسیون ماده پنج و تأیید نهایی سازمان نظام مهندسی، به روند ساخت‌وساز خود تا امروز ادامه دهد و اسکلت طبقات را تا سطح خیابان برساند.

این پروژه که از آذرماه سال ۹۲ به طور رسمی شروع شده است، گودی پرخطر داشته که در مورد آن بارها هشدار داده شده، اما بدون تغییرات لازم و توصیه‌شده به کار خود تا امروز ادامه داده است. در نامه‌ای که از سوی نظام مهندسی استان تهران درباره گودبرداری داده شده، در مورد خطرات جانبی آن از جمله خط لوله گاز و همجواری با خط یک مترو هشدار داده شده است. علاوه‌براین اهالی و املاک مجاور این پروژه در این مدت بارها مراتب اعتراض خود را نسبت به این پروژه و خطرات ناشی از گود آن اعلام کرده‌اند و درحال‌حاضر هم تاور فعال روی این پروژه بدون رعایت حریم کارگاهی خود به طور کامل روی خودروها و عابران و خانه‌های خیابان شریعتی و بلوار صباست. همین مورد هم یکی دیگر از موارد اعتراض است.

برج‌ها در مقابل منظره ارتفاعات تهران

اگرچه دغدغه‌هایی همچون دید افقی و نگه‌داشتن منظر شهری با این شرایط بلندمرتبه‌سازی در تهران دیگر کم‌کمک رو به فراموشی است، اما خوب است یادآوری کنیم که خیابان شریعتی که این روزها فوج‌فوج برج از آن بالا می‌رود، روزی به نام جاده شمیران معروف بوده است. این نام یعنی روزی روزگاری مردم تهران از ابتدای این خیابان که راه می‌افتادند، از یک جاهایی به‌بعد می‌توانستند شمیران و ارتفاعات آن را به‌راحتی ببینند و روحشان تازه شود؛ منظره‌ای که با ساخت چنین برج‌هایی در بلوار صبا دیگر کمتر دیده می‌شود.

یادداشت

غیبت تشکل‌های دانش‌آموزی در داستان هدایت تحصیلی

مهدی بهلولی . آموزگار و کنشگر صنفی

● داستان هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در پایان دوره متوسطه اول که با فرازونشیب‌های زیادی همراه بود، را می‌توان از زاویه‌های گوناگون نگریست. البته از همان آغاز که برخی کم‌وکاستی‌های آن روشن شد، از سوی افراد گوناگون مورد نقد و بررسی‌های متفاوتی قرار گرفت، اما یک نکته فراموش‌شده در این داستان که کمتر به آن پرداخته شد این بود که در این کشاکش کمابیش یک‌ماهه که هنوز هم ادامه دارد، از هیچ‌کدام از گروه‌ها و نهادهای دانش‌آموزی هیچ خبری نشد. در آموزش‌وپرورش، هم انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان داریم و هم یک مجلس دانش‌آموزی که اعضای آن از میان دانش‌آموزان سراسر کشور برگزیده می‌شوند. چیزی نزدیک به یک ماه، اعتراض‌های گوناگون خانواده‌ها و دانش‌آموزان سال پایانی دوره اول متوسطه به صورتی گسترده در رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی منتشر شد. شماری از نمایندگان مجلس هم وارد موضوع شدند و حتی وزیر آموزش‌وپرورش را برای بیان توضیحات به مجلس کشاندند. رئیس‌جمهور، حسن روحانی، هم از این داستان دور نماند و در تلویزیون اعلام کرد که درباره هدایت تحصیلی اجباری، به کارگزاران مربوطه تذکر داده است. بااین‌همه اما از هیچ‌کدام از نهادهای دانش‌آموزی، هیچ اعتراضی برنخاست.

شوربختانه در آموزش‌وپرورش، گویی همان داستان دیرین فرمان‌فرماست که همه‌چیز داریم، اما هیچ‌چیز نداریم! مجلس دانش‌آموزی و نهادهای «انتخابی» و شوراهای دانش‌آموزی داریم، اما تنها جنبه تزیینی دارند. در پایان دوران اصلاحات، در مجلس دانش‌آموزی، منشوری تصویب شد به نام «منشور ملی حقوق دانش‌آموز» و برای تصویب نهایی به شورای‌عالی آموزش‌وپرورش فرستاده شد. از آن زمان تاکنون، منشور ملی حقوق دانش‌آموز در شورای‌عالی آموزش‌وپرورش دارد خاک می‌خورد و هیچ خبری از آن نیست. تأسف‌بارتر این است که در این سال‌ها نیز هیچ نهاد دانش‌آموزی‌ای، به طور جدی این منشور را پیگیری نکرده است؛ گرچه با بحث هدایت تحصیلی امسال، بهتر است بندی به این منشور افزوده شود که هیچ‌کس و هیچ نهادی حق ندارد دانش‌آموز را به اجبار به رشته‌ای تحصیلی بفرستد. هم‌اکنون در سطح جهان، بسیار سخن از آموزشی می‌رود که در آن دانش‌آموز با حقوق و وظایف مدنی خود آشنا شود. برای دستیابی به این هدف، برنامه‌های گوناگونی در نظر گرفته می‌شود که یکی از آنها همین بحث تشکل‌های مدنی دانش‌آموزان است. در برخی از رخدادهای اعتراضی آموزش‌وپرورش نیز، تشکل‌های دانش‌آموزی در کنار اتحادیه‌های آموزگاران و برخی دیگر از نهادهای مدنی و مردمی دیده می‌شوند؛ برای نمونه در اعتراض به جنبش خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش، نهادهای دانش‌آموزی نیز اغلب در کنار مردم و آموزگاران معترض قرار می‌گیرند. پرپیداست که دانش‌آموزان از کسانی هستند که از تصمیم‌های ریزودرشت فرادستان آموزش‌وپرورش، بیشترین اثرپذیری را دارند و بنابراین انتظار این است که اگر به‌راستی نهاد مدنی دانش‌آموزی در کشور وجود دارد، دست‌کم در برابر تصمیم‌های چالش‌برانگیز در آموزش‌وپرورش، سراسر خاموش و بی‌تفاوت نباشد. شاید وقت آن رسیده باشد که این نهادها از حالت تزئینی خارج شوند و نقش مهم خود در پرورش دانش‌آموز مدنی را برعهده بگیرند.

جدول ۲۶۱۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- جوانمرد- غذادادن- شاعر دربار سلطان سنجر ۲- بدبخت- شرکتی که سرمایه آن متعلق به چند نفر است- نوعی قایق پارویی ۳- چهره- دربرگیرنده- گردش کودکانه ۴- زیرشلواری- ماهوت پاک‌کن- لازم و ضروری ۵- گیاهی- به‌ذهن‌افکندن- درخت زبان‌گنجشک ۶- بخش انتهایی چیزی- درنظرگرفتن اهمیت موضوعی- آنچه به‌عنوان برآورده‌شدن حاجات به تنگدستان می‌بخشند ۷- بهره و نصیب- مظهر سردرگمی- ریزترین رگ‌خونی ۸- همراه متل- آخرین ماه قمری- فانوس دریایی ۹- ظرف نوشیدن مایعات- سنجش- دنبال‌کننده و علاقه‌مند به امری ۱۰- خلأ- آدرس- دریا ۱۱- سنگریزه- پیشی‌گرفتن- بیماری زردی ۱۲- شکل ظاهری- زادگاه نیما- توده انباشته‌شده از چیزی ۱۳- پسوند شباهت- سرسبز و خرم- استحکام ۱۴- ترک‌بند- نمایش‌نامه‌ای مشهور از ویلیام شکسپیر- واحد نظامی بزرگ‌تر از گردان ۱۵- تماشاخانه- خواندن قرآن با قرائت درست و آهنگ خوب - ضمیر متصل مفعولی.

عمودی:

۱- باران اندک- میوه سرشار از ویتامین ث- بزرگواری ۲- دورترین - اثری به قلم ژان پل سارتر، نویسنده فرانسوی ۳- فیلسوف یونانی که مظهر قناعت و مناعت بوده است- پادشاهان- سنگ سخت ۴- نام سه تن از پادشاهان اسکاتلند بود- فرمان توقف- اسب تبریزی ۵- گوش‌کردن- گناهان- افسرده ۶- سوره بیستم قرآن- بدزبانی و دشنام گفتن- پای‌بند ۷- همگانی- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی- کتاب مقدس یهود ۸- شب پیش‌رو- پایتخت استونی- دریچه دهانه دوربین عکاسی ۹- فرشته مهر در آیین زرتشتی- ناسزاگویی- مردم یک کشور ۱۰- قتلگاه- بی‌باکی- قدم یکپا ۱۱- خوردن- خورش لپه- بازگو کردن سخنی از دیگری ۱۲- رمق آخر- حرکتی در ژیمناستیک- ساز ابداعی کریستوفری ۱۳- نامی دخترانه- به‌جاآوردن- بزرگواری ۱۴- پرتودرمانی- امانت‌داران ۱۵- اسب اصیل و تندرو- چهره‌پرداز- شکم‌بند طبی.

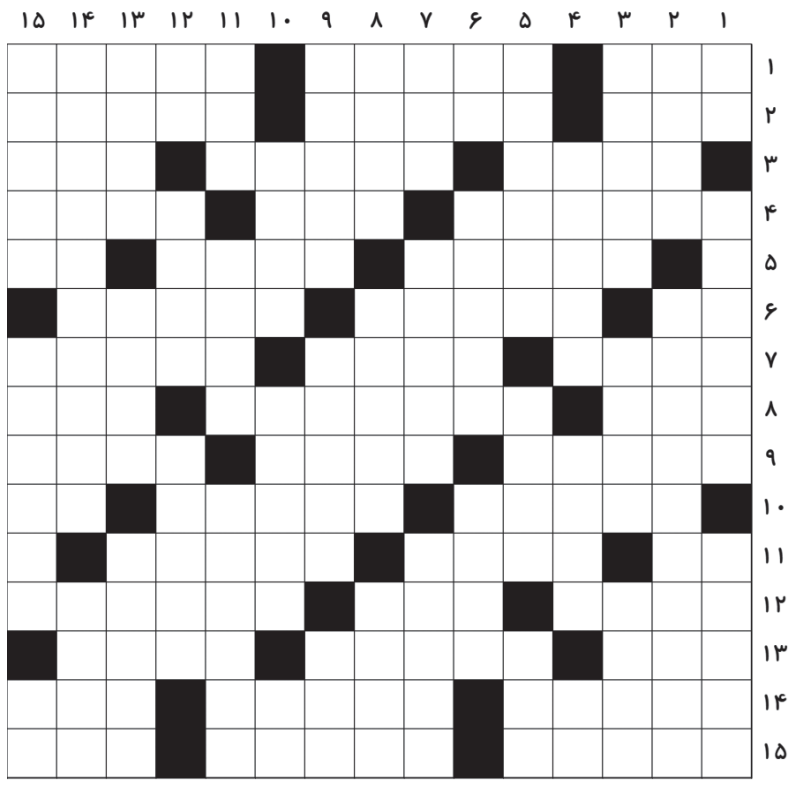

سودوکو سخت ۱۶۱۰

۵		۹				۷		۱
			۷	۸		۶	۵	۹
۸			۵		۹			
		۲		۶	۸	۹		
		۱	۲	۹				
					۴			۲
۲	۱				۶	۵		
		۳						۸
	۷			۳			۴	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو سخت

۴	۳	۲	۶	۹	۵	۷	۱	۸
۵	۸	۱	۲	۴	۷	۶	۹	۳
۶	۷	۹	۸	۳	۱	۵	۴	۲
۸	۲	۳	۵	۱	۴	۹	۷	۶
۱	۴	۶	۹	۷	۲	۳	۸	۵
۷	۹	۵	۳	۶	۸	۱	۲	۴
۲	۱	۷	۴	۵	۳	۸	۶	۹
۹	۵	۸	۷	۲	۶	۴	۳	۱
۳	۶	۴	۱	۸	۹	۲	۵	۷

حل سودوکو ۱۶۰۹

۵	۹	۱	۳	۲	۶	۸	۴	۷
۸	۴	۷	۹	۱	۵	۶	۲	۳
۳	۶	۲	۸	۷	۴	۱	۹	۵
۴	۱	۳	۵	۸	۲	۷	۶	۹
۲	۵	۹	۴	۶	۷	۳	۱	۸
۶	۷	۸	۱	۹	۳	۴	۵	۲
۱	۸	۶	۲	۳	۹	۵	۷	۴
۹	۳	۵	۷	۴	۱	۲	۸	۶
۷	۲	۴	۶	۵	۸	۹	۳	۱

سودوکو ۱۶۱۰

	۷	۴					۲	
۳	۸						۹	
۶			۱	۹				
		۳			۵	۹		
۷			۴		۸		۶	
۲		۶			۷			
۱	۲		۵		۳			
۴		۸			۱		۵	
	۶		۸				۴	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

جدول ۲۶۱۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	ع	ت	■	ک	ر	ف	س	■	ا	ک	ا	ذ	ی	ب
۲	ف	ر	ا	م	و	ش	■	ا	ن	ز	ی	م	■	و	ر
۳	ر	و	■	ک	ا	ت	ا	ل	و	گ	■	ا	ی	ز	د
۴	ا	ج	ل	ا	ل	■	ن	م	ا	ی	ش	■	ن	ک	ا
۵	ب	■	س	ر	ا	م	د	■	د	ل	ت	ن	گ	■	ش
۶	ا	ب	و	ی	■	ر	و	ا	ه	■	ا	ب	ی	ا	ت
۷	د	د	ت	■	ک	ت	ر	ی	■	ب	ب	و	■	ی	ن
۸	■	ج	و	ا	م	ع	ا	ل	ح	ک	ا	ی	ا	ت	■
۹	خ	ن	■	ک	ا	ش	■	م	و	ه	ن	■	ر	ا	س
۱۰	و	س	ت	ر	ن	■	م	ک	ا	ن	■	پ	و	م	ا
۱۱	د	■	ن	ا	ج	ا	ر	■	ص	د	گ	ا	ن	■	م
۱۲	ک	ی	د	■	ه	ن	د	س	ی	■	م	ی	د	ا	ن
۱۳	ا	و	ر	د	■	ت	و	د	ل	ب	ر	و	■	و	ا
۱۴	م	ی	■	ک	ل	ی	د	ر	■	خ	ا	ر	ط	و	م
۱۵	ه	و	ل	ن	ا	ک	■	ه	ف	ت	ه	■	ب	ل	ه